



۱۳۷۸۲۱

۱



دانشگاه آزاد اسلامی

واحد شاهرود

دانشکده علوم انسانی، گروه تاریخ

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد «M.A.»

گرایش: تاریخ ایران دوره اسلامی

عنوان:

انعکاس دانش پزشکی ایرانی در سفرنامه های مستشرقان (دوره قاجار)

استاد راهنما:

دکتر محمد نبی سلیم

استاد مشاور:

دکتر مصیب عباسی

نگارش:

پری سمنانی

زمستان ۱۳۸۸

تسبیح روزگار

۱۳۸۹/۳/۱۷

۱۳۷۸۶۱



دانشگاه آزاد اسلامی
واحد شاهرود

دانشگاه آزاد اسلامی

واحد شاهرود

دانشکده علوم انسانی، گروه تاریخ

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد «M.A»

گرایش: تاریخ ایران دوره اسلامی

عنوان:

انعکاس دانش پزشکی ایرانی در سفرنامه های مستشرقان (دوره قاجار)

نگارش:

پری سمنانی

زمستان ۱۳۸۸

۱. دکتر محمد نبی سلیمی

۲. دکتر مصیب عباسی

۳. دکتر مصطفی مجد

هیأت داوران

سپاسگزاری

سپاسگزارم خدای بی همتا را که در لحظه لحظه زندگی، وجودش را با تمام وجودم حس کرده و در تمام طول حیاتم از او یاری طلبیده و می طلبم.

اکنون که به لطف پروردگار کار نگارش پایان نامه را به اتمام رسانده ام بر خود لازم می دانم که از همه کسانی که در تهیه آن - از انتخاب موضوع تا تدوین نهایی - مرا یاری نموده اند تشکر نمایم. بویژه از استاد راهنمای گرانقدر و عزیز، جناب آقای دکتر محمد نبی سلیم که همراهی دلسوزانه و عالمانه ایشان در به ثمر رسیدن این تحقیق نقش بسزایی داشت. همچنین از استاد محترم و گرانقدر جناب آقای دکتر مصیب عباسی که زحمت مشاوره این پایان نامه را برعهده داشتند و اساتید گرانمایه ای که در طول تحصیل از محضرشان بهره ها بردم.

تقدیم به:

روح ملکوتی مادرم، الهه عشق و ملکه خوبیها....

فرشته مهربانی که تمام مرارت ها را به جان خرید،

همواره پشتیبان من در تمام مراحل زندگیم بوده است

و به من درس پایداری آموخت.

و به سایه گسترده پدرم

و تقدیم به همسر عزیزم و یگانه فرزند دل‌بند و دوست داشتنیم زهرا

و به تمامی پزشکان دلسوز این مرز و بوم

فهرست مطالب

- چکیده ۱
- مقدمه ۲

فصل اول: تاریخ سیاسی قاجار

- ۱-۱ قاجارها از ابتدا تا روی کار آمدن آغا محمد خان ۷
- ۲-۱ فتحعلی شاه (۱۲۱۱-۱۲۵۰ ه.ق) ۱۰
- ۳-۱ محمد شاه (۱۲۵۰-۱۲۶۴ ه.ق) ۱۴
- ۴-۱ ناصرالدین شاه (۱۲۶۴-۱۳۱۳ ه.ق) ۱۶
- ۵-۱ مظفرالدین شاه (۱۳۱۳-۱۳۲۴ ه.ق) ۲۱
- ۶-۱ محمد علی شاه (۱۳۲۴-۱۳۲۷ ه.ق) ۲۲
- ۷-۱ احمدشاه (۱۳۲۷-۱۳۴۴ ه.ق) ۲۴

فصل دوم: وضعیت فرهنگ در دوره قاجاریه

- ۱-۲ ادخل ۲۷
- ۲-۲ عباس میرزا و نظام جدید ۲۷
- ۳-۲ صنعت چاپ ۳۰
- ۴-۲ اعزام محصل در دوران محمد شاه ۳۰
- ۵-۲ اصلاحات فرهنگی در عهد ناصری ۳۱
- ۱-۵-۲ اصلاحات فرهنگی امیر کبیر ۳۱
- ۲-۵-۲ اقدامات فرهنگی سپهسالار ۳۴
- ۶-۲ مدارس رشدیه و نهضت مدارس جدید ۳۵
- ۱-۶-۲ مدارس رشدیه ۳۵
- ۲-۶-۲ مدارس خارجیان در ایران ۴۰

فصل سوم: مروری بر تاریخ طب در ایران از ابتدا تا آغاز دوران قاجار

- ۱-۳ پزشکی در ایران باستان ۴۲
- ۲-۳ تاریخ پزشکی در ایران از ورود اسلام تا آغاز دوران قاجار ۴۶
- ۱-۲-۳ عصر ترجمه ۴۸
- ۲-۲-۳ طب در ایران از ورود اسلام تا پایان قرن پنجم ۵۰
- ۳-۲-۳ از ابتدای قرن پنجم تا آغاز دوره ی قاجار ۵۴
- فصل چهارم: سفرنامه نویسان عهد قاجار و اهداف و دیدگاه هایشان ۵۹
- ۱-۴ انگیزه ها: ۶۰
- ۱-۱-۴ مأموریت سیاسی ۶۰
- ۲-۱-۴ شرق شناسی و ایران شناسی ۶۲
- ۲-۴ انگیزه های دیگر ۶۴
- ۱-۲-۴ قضاوت ها و دیدگاه های سفرنامه نویسان درباره ی ایرانیان ۶۵

فصل پنجم: انعکاس مسائل پزشکی در سفرنامه های بیگانگان

- ۱-۵ مسائل بهداشتی ۶۷
- ۲-۵ آب و هوا و شرایط اقلیمی ۶۷
- ۳-۵ بهداشت عمومی ۷۱
- ۱-۳-۵ کثیفی و آلودگی فضای شهرها و روستاها ۷۱
- ۲-۳-۵ آلودگی آب ها ۷۶
- ۳-۳-۵ آب های جاری ۷۷
- ۴-۳-۵ آب قنات و چاه ها ۷۹
- ۵-۳-۵ آب انبارها، مخازن آب و دیگر آب های راکد ۸۰
- ۴-۵ اماکن عمومی ۸۲
- ۱-۴-۵ حمام ها ۸۲

- ۸۴ ۲-۴-۵ کاروانسراها
- ۸۴ ۳-۴-۵ اماکن شغلی
- ۸۵ ۵-۵ دیگر عوامل خطر ساز برای سلامت عمومی
- ۸۶ ۶-۵ بهداشت فردی
- ۸۸ ۷-۵ بیماریها و امراض همه جا گیر
- ۹۰ ۸-۵ دیگر بیماری ها
- ۹۰ ۱-۸-۵ جوشها التهابات پوست
- ۹۶ ۲-۸-۵ بیماریهای جهاز هاضمه
- ۱۰۴ ۳-۸-۵ تیفوس
- ۱۰۵ ۴-۸-۵ تب متصل کاذب
- ۱۰۵ ۹-۵ دانش پزشکی
- ۱۰۶ ۱-۹-۵ مبانی نظری
- ۱۰۹ ۲-۹-۵ خرافات و باورهای دینی
- ۱۱۲ ۳-۹-۵ داروشناسی، انواع داروها
- ۱۱۶ ۴-۹-۵ جراحی
- ۱۱۹ ۵-۹-۵ شکسته بندی
- ۱۲۰ ۶-۹-۵ چشم پزشکی
- ۱۲۱ ۷-۹-۵ دامپزشکی
- ۱۲۱ ۱۰-۵ شیوه های تشخیص بیماری ها و علل و منشأ آن
- ۱۲۳ ۱۱-۵ شیوه های درمان و تجویز دارو
- ۱۲۵ ۱-۱۱-۵ خون گرفتن و شیوه های آن
- ۱۲۹ ۲-۱۱-۵ مایه کوبی
- ۱۳۰ ۳-۱۱-۵ خال کوبیدن

۱۳۰ ۴-۱۱-۵ داغ کردن انسان

۱۳۰ ۵-۱۱-۵ آخرین راه علاج

۱۳۱ ۶-۱۱-۵ آموزش پزشکی

۱۳۶ نتیجه گیری

۱۳۹ منابع و مأخذ

۱۴۸ چکیده انگلیسی

چکیده

تاریخ علم پزشکی در دوره قاجاریه به علت فقر ادبیات پزشکی و داده های مستند درباره وضع بهداشت در این دوره تا حدی در پرده ابهام قرار دارد. در این پژوهش تلاش شده است تا میزان بازتاب مسائل مربوط به این علم در دوره قاجار با کمک بخشی از متفاوت ترین منابع تاریخی یعنی سفرنامه های گردشگران غیر ایرانی بررسی شود. خاصه که تاکنون از این منظر در عرصه سیاحتنامه های خارجی پژوهش چندانی نشده است و آنچه صورت گرفته بیشتر مربوط به بررسی مسائل فرهنگی بوده است. اغلب آثاری که یاریگر این پژوهش بوده اند سفرنامه های سیاحان اروپایی و ... دوره ی قاجار است که به انگیزه ها و علل گوناگون وارد کشور ایران شده اند و به ثبت خاطرات و شواهد و نظرات خود پیرامون مسائل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران آن عصر پرداخته اند. آثار این افراد دربرگیرنده ی اطلاعات پراکنده اما اغلب ذیقیمتی درباره ی مسائل علم پزشکی و بهداشت در دوره قاجار هستند.

هدف در این پژوهش انعکاس دانش پزشکی ایرانی در سفرنامه های مستشرقان (دوره قاجار) می باشد که با بنیان تئوریک و به صورت کتابخانه ای همراه با ملاحظه اسناد و مدارک صورت پذیرفته است.

نتایج به دست آمده در این پژوهش حکایت از آن دارد که بررسی آثار این نویسندگان نشان می دهد که اغلب ایشان تنها از سر تفنن و علایق فردی دست به ثبت این اطلاعات زده اند و به خاطر تمایزات فرهنگی و کم اطلاعی دچار خطاهای فاحشی در ره یافت ها و تفسیرهای خویش از باورها و کنش های فرهنگی ایرانیان به ویژه در زمینه ی باورهای پزشکی و رفتار بهداشتی آنان شده اند. به طور کلی اغلب آنان در دو گروه متفاوت جای می گیرند.

کلید واژه ها:

دوره قاجار، دانش پزشکی، سیاحان خارجی، سفرنامه ها، مسائل بهداشتی

مقدمه

بیان مسأله

یکی از مهمترین مسائل مطرح درباره‌ی دانش پزشکی در دوره‌ی قاجار فقدان منابع داخلی به علت رکود و توقف دانش پزشکی ایرانی-اسلامی و پدید نیامدن آثاری در خور توجه است که می‌تواند بازتاب دهنده‌ی مسائل اصلی علم پزشکی و شاخه‌های مربوط به آن باشد. بر طبق سنتی معهود و شناخته شده منابع کرونولوژیک و وقایع نگارانه‌ی دوره‌ی قاجار نیز عاری از هر گونه آگاهی ارزشمند و قابل توجه درباره‌ی تاریخ فرهنگی و اجتماعی جامعه‌ی ایران است. از سوی دیگر منابعی که مستقیماً منعکس کننده‌ی جزئیاتی دقیق و سیمایی قابل قبول از تاریخ علم و یکی از مهمترین شاخه‌های آن یعنی پزشکی باشند بسیار نادر و کم شمار است و از این رو ضرورت بهره‌گیری از منابعی خارجی گریز ناپذیر به نظر می‌رسد.

از دوره‌ی خاص در تاریخ ایران، بنابر دلایل سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خاصی سیل سیاحان و جهانگردان غیر ایرانی به سوی ایران سرازیر شد. مسائل اجتماعی و فرهنگی گوناگون ایران که مورد توجه این افراد قرار گرفته است به انحاء گوناگون در آثار آنان منعکس شده است. نگاه آنان به مسائل بهداشتی و وضعیت علم پزشکی در ایران عهد قاجار نیز یکی از مسائل مناقشه برانگیز در زمینه‌ی مسائل مربوط به ایرانشناسی است. خصوصاً آموزه‌های پزشکی سنتی ایران و سیر تکوین کاملاً متفاوت علم پزشکی در ایران می‌تواند قضاوت‌های ضد و نقیض ناظران بیگانه را همانند داورهای آنان در مورد دیگر عناصر فرهنگی ایرانیان به بار آورده باشد.

هدف از پژوهش

با توجه به آنچه گفته شده هدف اصلی این پایان نامه نشان دادن و تبیین چگونگی انعکاس مسائل پزشکی دوره‌ی قاجار در سفرنامه‌های غربیان است. این وظیفه توضیح جنبه‌هایی از تاریخ اجتماعی دوره‌ی قاجار و نیز نشان دادن گوشه‌هایی از اعتقادات و باورها و هنجارهای رایج را در پی می‌آورد، لذا از دیگر اهداف این پژوهش اشاره هر چند مختصر به دیدگاه‌های برخی از ناظران غیر ایرانی در مورد وجوهی از زندگی اجتماعی ایرانیان است.

طرح سؤالات

در همین راستا سؤالاتی چند به ذهن نگارنده رسید که آنها را می توان بدین قرار تقریر کرد:

۱. سیاحان خارجی تا چه اندازه و به چه نحو مسائل مربوط به علم پزشکی را در ایران دوره قاجار در آثار خود بازتاب داده اند؟
۲. تاریخ پزشکی ایران پیش از دوره قاجار چه فرآیندی را طی کرده است و چه عناصری از آن به پزشکی دوره قاجار منتقل شده اند؟
۳. کدام یک از تحولات مهم فرهنگی در دوره قاجار بیشتر باعث تغییر سرنوشت علم پزشکی در ایران شدند؟
۴. سفرنامه نویسان از سفر به ایران و نگارش آثاری درباره ای این کشور چه اهدافی را در سر می پروراندند؟

بیان فرضیات

نگارنده در جریان یافتن پاسخی برای این پرسش ها فرضیاتی را مطرح نمود که به قرار زیرند:

۱. فرضیه اصلی: به علت تفاوت های فاحش آب و هوایی و شیوع بیماری های گوناگون واگیردار در سطح کشور، نگرش سیاحان بیگانه معطوف به مسائل پزشکی شد و از این رو آنها مطالب مهم و قابل توجهی را در این رابطه در آثار خویش به رشته تحریر درآوردند.
۲. تاریخ پزشکی ایران تا سده های میانه ای تاریخ ایران دوره هایی از رونق و شکوفایی را گذراند و پس از آن به مرور دستخوش رکود و انحطاط گردید و با توجه به فرآیند واپس ماندگی تمدنی که اغلب شئون اجتماعی و فرهنگی ایران دوره قاجار نیز گرفتار آن بود دانش پزشکی در این دوره برخی از سطحی ترین آموزه ها و تعالیم پزشکی سنتی را حفظ نمود و به کار بست.
۳. آشنایی با غرب و ورود اندیشه ها و علوم جدید غربی به ایران به همراه شکل گیری موج اصلاحات فرهنگی بیشترین سهم را در تغییر سرنوشت علم پزشکی در ایران معاصر داشت.

۴. سیاحان خارجی هم به قصد سیاحت و هم برای اهداف سیاسی وارد ایران می شدند و می کوشیدند با خلق آثاری درباره‌ی ایران، ضمن بهتر شناساندن جامعه و فرهنگ ایران به اروپا راه های نفوذ و سلطه بر ایران را نیز شناسایی کنند.

پیشینه ی تحقیق

در این زمینه تا کنون تحقیق مستقل و جامعی به عمل نیامده است. تحقیقاتی که تاکنون در باب سفرنامه های بیگانگان در دوره قاجار صورت گرفته است بیشتر در رابطه با برخی از مسائل مربوط به خلیات و بعضی خصایص زندگی اجتماعی و فرهنگی ایرانیان بوده است که در آن مسائل پزشکی و بهداشتی چندان جایگاهی نداشته اند. از جمله ی این آثار می توان به کتاب فرهنگ ایران در سفرنامه های اروپایی دوره قاجار نوشته ی مهین اویس، کتاب انگلیسی ها در ایران و مقاله ی سیاحان بریتانیایی در ایران دوره قاجار هر دو از دنیس رایت، دو کتاب سیاحان در ایران نوشته ی فواد فاروقی و محمود حکیمی و کتاب ایران و ایرانی به تحقیق در صد سفرنامه خارجی به قلم غلامرضا انصاف پور اشاره کرد.

روش تحقیق

این تحقیق بر بنیاد تئوریک و به شیوه ی کتابخانه ای انجام شده است و محقق با فیش برداری از منابع مختلف اقدام به گردآوری مطالب و سپس پالایش، بررسی و تنظیم و تدوین آنها در قالب این پایانه نامه نموده است.

چارچوب پژوهش

این اثر از پنج فصل اصلی تشکیل شده است. بخش اول آن به بررسی مهمترین رویدادها و تحولات سیاسی در ایران عهد قاجار می پردازد. در بخش دوم بررسی رخدادهای و جهت گیری فرهنگی جامعه ایران دوره قاجار در دستور کار قرار دارد. در بخش سوم می کوشم تا تصویری کلی از سیر تکوین علم پزشکی در ایران و تمدن اسلامی تا پیش از

قاجارها ارائه دهم. در بخش چهارم علل و انگیزه های سیاحان خارجی برای آمدن به ایران و خلق آثاری درباره ی فرهنگ و رسوم ایرانی به بررسی گذاشته می شود. فصل پنجم معطوف به بررسی و تدوین مطالبی است که سفرنامه نویسان در آثار خود راجع به اوضاع بهداشتی و مسائل پزشکی ایران در آن دوره منعکس کرده اند.

موانع تحقیق

عمده ترین مشکل پیش روی نگارنده تنوع و تعدد منابع بود که امکان دسترسی کامل به همه ی مراجع و مآخذ این تحقیق را دشوار می نمود، افزون بر آن آگاهی نسبت به سطحی از اطلاعات پزشکی برای نگارنده ضروری می نمود که آن را هم می توان از مشکلات پژوهش فوق دانست.

نقد منابع

نگارنده در ضمن این پژوهش به تمامی سفرنامه ها و آثار سیاحان خارجی ایران عصر قاجار که به فارسی ترجمه شده اند رجوع و مطالب مورد نظر را استخراج نمود. در باره ی منابعی که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته اند می توان قائل به نوعی دسته بندی دوگانه شد. دسته ی نخست این منابع آثاری هستند که با غور و بررسی در برخی از جوانب فرهنگ ایران و دیگر وجوه زندگی اجتماعی و فردی ایرانیان توانسته اند دیدگاه جامع تر و منصفانه تری را عرضه کنند.

از جمله ی مهم ترین این آثار سفرنامه ی یاکوب ادوارد پولاک است که انبوهی از اطلاعات گرانبها و کمیاب را در اختیار پژوهشگران قرار می دهد. وی با تلاش و کنجکاوی خستگی ناپذیری اقدام به گردآوری اطلاعاتی ارزشمند در مورد مسائل مربوط به پزشکی در دوره ای کرده است که خود به عنوان آموزگار طب دارالفنون و نیز طبیب خصوصی ناصرالدین شاه در آن حضور داشته است. اظهارات وی عمدتاً متکی بر پژوهش هایی دقیق و اغلب توأم با لحنی منصفانه است. کتاب از خراسان تا بختیاری هائری رنه دالمانی نیز با نگاهی تقریباً بی غرضانه مطالب مهمی در مورد

پزشکی و مسائل بهداشتی عرضه می کند. سیاحتنامه خانم کارلا سرنا اگر چه از گستردگی و دقت نظر آثار یاد شده برخوردار نیست اما نظر به برخی اطلاعات ارزشمند و لحن همدلانه اش از همین زمره محسوب می شود.

همچنان آثاری هستند که گاه دارای لحنی پرخاشگرانه هستند اما دقت نظر و اطلاعات دقیقشان آنها را متمایز می گرداند. کتاب ایران در صد سال پیش نوشته دکتر ویلز از این جمله آثار است که حاوی اطلاعات ارزنده ای در زمینه ی مسائل بهداشتی و باورها، امکانات و سنت های پزشکی عصر قاجار است. کتاب «نامه هایی درباره ایران و ترکیه آسیا» از تانکوانی و سیاحتنامه کلارا رایس، با عنوان «زنان ایران» نیز از وضعیت مشابهی برخوردارند.

دسته ی دیگر اما آثاری هستند که در اغلب موارد از طعن و لعن و تحقیر و تمسخر ایرانیان فروگذار نکرده و بسیاری از اظهاراتشان نیز ناشی از کم اطلاعی محض و یا غرض ورزی آشکار است. سفرنامه ی دروویل مهم ترین نمونه ی این آثار است.

دیگر آثار سیاحان خارجی مانند سفرنامه اولیویه، کیش - مات اثر فوربزلیث، ایران و قضیه ی ایران اثر کرزن، سفرنامه جیمز موریه و... به طور پراکنده حاوی نکاتی در زمینه ی موضوع مورد نظر هستند.

اما در خصوص مآخذ نگاشته شده مرتبط با موضوع فوق می توان به این آثار اشاره کرد:

تاریخ دامپزشکی و پزشکی در ایران، حسن تاجبخش؛ تاریخ پزشکی و درمان در ایران و جهان، محمد تقی

سرمدی؛ جنبه هایی از علم پزشکی در اسلام، مهدی محقق؛ تاریخ طب در ایران، محمود نجم آبادی و ...

مآخذ خارجی نگاشته شده شامل: پزشکان برجسته در عصر تمدن اسلامی، علی عبدالله دفاع؛ طب اسلام، مانفرد

اولمان؛ تاریخ پزشکی ایران و سرزمین های خلافت شرقی، سیریل الگود، و دهها اثر دیگر از این دست.

فصل اول: تاریخ سیاسی قاجار

قاجارها از ابتدا تا روی کار آمدن آغا محمد خان

قاجارها از طوایف ترک زبان بودند که طی دوران کوچ سراسری ترک‌ها از سرزمین ماوراء قفقاز به سمت جنوب و ایالت آذربایجان مهاجرت نمودند و در نهایت حکومت صفویان آنان را از آذربایجان به استرآباد و مازندران و مرکز ایران کوچ دادند.^۱

در سده ی سیزدهم قمری مورخان درباری نسب شاهان این سلسله را به قاجارنویان پسر «سرتاق بن سایانویان بن جلایر بن نیرون» می‌رسانند که از فرماندهان^۲ و سرداران هلاکو خان بوده است.^۳ ولی آشکار است که درستی این انتساب را نمی‌توان تصدیق کرد.^۴

ایل قاجار از جمله ایل‌های شیعه مذهبی بود که در روی کار آمدن و تثبیت قدرت سلسله ی صفویه نقش به‌سزایی ایفا کرد.^۵ به گزارش رضاقلی خان هدایت ایل قاجار از جمله قبایل طرفدار شاه اسماعیل صفوی بودند که نقش مهمی در قدرت گرفتن وی ایفا نمودند.^۶ از این رو در دوره ی سلطنت شاه اسماعیل واجد جایگاهی برجسته بودند به گونه ای «اسرای بزرگ او اکثر از طایفه قاجار بود» و پس از درگذشت شاه اسماعیل و روی کار آمدن نیز به دستور سابق، مراسم شهادت و امارت این طایفه جلیله مسلم بود و در ممالک ایران به هر طرفی از اعیان ایشان امیری معظم و در شیوه ولایت داری و سروری مکرم.^۷ اما در دوره ی شاه عباس و با توجه به تلاشی که برای حذف قزلباشان از ساختار قدرت به منظور جایگزینی نیروی سوم صورت گرفت، ایل قاجار نیز جایگاه خود را از دست داده و به دستور شاه

^۱ نفیسی، تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر، ج ۱، ص ۱۹

^۲ نوئین یا نویان

^۳ سپهر، ناسخ التواریخ، ج ۱، ص ۳

^۴ در این مورد نک به: نفیسی، تاریخ اجتماعی و سیاسی، ج ۱، ص ۲۰

^۵ در این مورد نک به: سومر، نقش ترکان آناتولی در روی کار آمدن و توسعه حکومت صفویان، ترجمه احسان اشراقی، محمد تقی امامی،

ص ۱۲۴

^۶ هدایت، روضه الصفاى ناصری، ج ۹، ص ۸

^۷ مفتون دنبلی، مآثر سلطانیه، ص ۱۹

صفوی برخی از آنها جهت خط مرزهای شمال شرق از دستبرد ازبک ها در مرو شاه‌یجان مستقر گشتند، و جمعی دیگر نیز برای حفظ سرحدات شمال غربی به گنجه، دربند و ایروان فرستاده شدند. گروهی دیگر نیز به منظور حفظ ثغور در برابر یورش های ترکمانان به استرآباد منتقل شدند.^۱

استرآباد بعدها تبدیل به پایگاهی برای قدرت گیری و توسعه ی ایل قاجار شد. در اینمنطقه ایل قاجار به دو دسته ی اشاقه باش و یوخاری باش تقسیم گردید که ریاست اشاقه باش با تیره ی قوانلو بود و سرپرستی یوغاری باش با تیره ی دولوی بود.^۲ جدال میان این دو تیره بر سر ریاست ایل قاجار سرانجام منجر به بدست گرفتن قدرت سیاسی از سوی طایفه ی قوانلو و حذف تدریجی دولوها از مناسبات قدرت گردید.

با فروپاشی سلسله ی صفویه و تسلط افغانان بر ایران، تهماسب دوم صفوی قاجارها را به یاری خویش فرا خواند و در ازای خدمتی که قاجارها به او می نمودند مقام نایب السلطنگی صفویان را به فتحعلی خان قوانلو اعطا نمود.^۳ اما این وضعیت دیری نپایید و پس از قتل فتحعلی خان توسط تهماسب دوم که به تحریک نادر صورت گرفت و متعاقب آن با تصدی مقام سلطنت توسط نادر دوران تیره روزی ایل قاجار آغاز گشت. سیاست نادر برتری دادن نسبی تیره ی دولو در برابر قوانلو و ممانعت از قدرت گیری قاجاریه بود.

با مرگ نادر و شروع هرج و مرج ناشی از نابودی تمرکز سیاسی، ایل قاجار به رهبری محمد حسن خان تکاپوی خود را برای دستیابی به قدرت سیاسی آغاز کردند. اما با قتل محمد حسن خان در جمادی الثانی ۱۱۷۲ ه.ق که بر اثر زنده شدن اختلافات قبیله ای رخ داد،^۴ کریم خان زند به نام شاه اسماعیل سوم صفوی در رأس هرم قدرت قرار گرفت و برخی از سران ایل قاجار و از جمله آغا محمد خان به عنوان گروگان روانه ی دربار شاه زند در شیراز گشتند.

با آگاهی آغا محمد خان از درگذشت کریم خان وی بلافاصله شیراز را ترک گفته و رو به سوی تهران نهاد.^۵ آغا محمد خان پس از ورود به تهران، این شهر را به علت نزدیکی به مرکز قدرت ایل قاجار یعنی مازندران و استرآباد به

^۱ دنیلی، مآثر سلطانیه، صص ۱۹-۲۰

^۲ هدایت، روضه الصفای ناصری، ج ۹، ص ۸

^۳ سپهر، ناسخ التواریخ، ج ۱، ص ۷

^۴ هدایت، روضه الصفای ناصری، ج ۱۰، ص ۷۲

^۵ نامی اصفهانی، گیتی گشای زندیه، صص ۹-۲۴۸

پایتختی خود برگزید.^۱ سپس اقدام به تجهیز و یکپارچه ساختن طوایف قاجار نمود و به سوی جنوب حرکت کرد. در این هنگام لطفعلی خان زند جانشین جعفر خان شده بود از این رو عرصه ی رقابت سیاسی تنها منحصر به شاه جوان زند و آغا محمد خان گردید. در نخستین رویارویی میان این دو در ۱۲۰۴ ه.ق پیروزی از آن آغا محمد خان بود.

سپس در ۱۲۰۵ ه.ق با خیانت حاج ابراهیم خان کلانتر شیراز به اطاعت شاه قاجار درآمد و آغا محمد خان مصطفی خان دولو را بدین شهر فرستاد.^۲ آغا محمد خان در ۱۲۰۶ ه.ق به شیراز درآمد و سپس به تعقیب لطفعلی خان زند پرداخت که پناه به کرمان برده بود. با فتح کرمان توسط آغا محمد خان شاه زند به بم گریخت. آغا محمد خان در کرمان دست به جنایتی بزرگ زد. چنانکه از اهالی کرمان خلقی بی نهایت قتل کرد و جوی خون از کرمانیان روان گردید.^۳ شاه زند در بم گرفتار شده بود به آغا محمد خان سپرده شد و پس از کور شدن به قتل رسید.

در ۱۲۰۹ ه.ق آغا محمد خان به سمت قفقاز لشکر کشید و ابتدا قره باغ را به تسخیر خود درآورد. پس از آن به گرجستان شتافت و شهر تفلیس را تصرف کرد و دست به قتل و غارت اهالی آنجا زد.^۴ پس از بازگشت به تهران در سال ۱۲۱۰ ه.ق آغا محمد خان به تخت سلطنت جلوس کرد و به طور رسمی حاکمیت سلسله ی قاجار را بر سرنوشت سیاسی ایران اعلام نمود.^۵ پس از آن آغا محمد خان به خراسان لشکر کشید و با فراری دادن میرزا نبیره ی نادر شاه و تحت فشار گذاشتن شاهرخ میرزا فرزند نابینای نادر شاه افشار بر ذخایر و گنج های نادری دست یافت. پس از فراغت از کار خراسان شاه قاجار در سال ۱۲۱۱ ه.ق دوباره به آذربایجان لشکر کشی کرد و بر قلعه ی شوشی دست یافت. وی سرانجام در همین قلعه به دست تنی چند از خدمتکارانش که بر آنها خشم گرفته بود و به مرگ تهدیدشان کرده بود کشته شد.^۶

آغا محمد خان را غالباً توانمندترین و با کفایت ترین شاه قاجار دانسته اند که اگر به گونه ای نابهنگام کشته نمی شد، شاید مقدرات سیاسی ایران به گونه ای دیگر رقم می خورد. وی علیرغم اشتغال به جنگ های پر شمار و قتل زود هنگامش باز هم توانست بنیان های سیادت سیاسی قاجار را مستحکم گرداند به گونه ای که حتی با وجود

^۱ واتسن، تاریخ قاجاریه، ترجمه غلامرضا وحید مازندرانی، ص ۶۴

^۲ جونز، آخرین روزهای لطفعلی خان زند، ترجمه هما ناطق و جان گرنی، صص ۲۸-۲۹

^۳ دنلی، مآثر سلطانیه، ص ۳۰

^۴ همانجا

^۵ خورموجی، حقایق الاخبار ناصری، ص ۹

^۶ دنلی، مآثر سلطانیه، صص ۳۰-۳۱

شورش های بسیاری که دامنگیر جانشینش فتحعلی شاه شد و نیز به دنبال آن وقوع جنگ های ویرانگر ایران و روس، سلطه ی سیاسی قاجارها تا مدت ها با هیچ خطر جدی مواجه نشد.

فتحعلی شاه (۱۲۱۱-۱۲۵۰.ق)

فتحعلی شاه در آغاز کار خویش با فتنه ی صادق خان شقاقی مواجه گردید که پس از تجهیز نیرو در آذربایجان و تسلط بر اوضاع آن منطقه قزوین را به محاصره درآورده بود. با مقاومت والی قزوین و با حمایت همه جانبه ی تمامی سران ایل قاجار از فتحعلی شاه، صادق خان شقاقی شکست یافت و به شمال غرب کشور گریخت.^۱ پس از دفع فتنه ی صادق خان، فتحعلی شاه سپاهی را به فرماندهی حسین بیگ قاجار قونلر آقاسی، مهر علی خان و اشلو و الله وردی خان عضدانلو روانه ی اصفهان نمود تا به مقابله با شورش محمد خان زند بپردازند. سپاه قاجار در حوالی اصفهان بر سپاهیان محمد علی خان زند تاخته و وی را متواری کردند^۲ از جمله شورش های داخلی دیگری که در عهد فتحعلی شاه رخ داد می توان به شورش نادر میرزا آخرین بازمانده ی نادر شاه افشار اشاره کرد که علیرغم سرکوبی اولیه، بار دیگر سر به شورش برداشت و در نهایت در رمضان ۱۲۱۸.ق دستگیر شد و به قتل رسید.^۳

حسین قلی خان برادر تنی فتح علی شاه نیز دوبار در سال های ۱۲۱۳.ق و ۱۲۱۶.ق سر به شورش برداشت و هر دو بار سرکوب شد.^۴

مهمترین واقعه ی دوران حکومت فتحعلی شاه بروز جنگ های ویرانگر میان ایران و روسیه بود. با روی کار آمدن الکساندر^۵ اول در روسیه وی فرمان حمله به گرجستان را صادر کرد.^۶ فتحعلی شاه عباس میرزا را به مقابله با سپاه روس فرستاد. سپاه قاجار اگر چه در نبردهای اچمازین و خانشین پیروزی های چشمگیری در برابر روسیه به دست آورد

^۱ رستم الحکما، زستم التواریخ، ص ۴۵۸

^۲ سپهر، ناسخ التواریخ، ج ۱، ص ۵۳

^۳ ذنبلی، مآثر سلطانیه، صص ۸۵-۸۴

^۴ همان، صص ۷۴-۶۹

^۵ Alexander

^۶ همان، ص ۹۰

اما در نهایت در نبرد اصلاندوز متحمل شکست سختی گردید و مجبور به قبول معاهده‌ی گلستان گردید.^۱ بر طبق معاهده‌ی گلستان که در شوال ۱۲۲۸ ه.ق میان ایران و روسیه منعقد شد، ایران بخش وسیعی از مناطقی را که روسیه به تصرف درآورده بود، به عنوان بخشی از خاک روسیه به رسمیت شناخت و همچنین حق کشتی رانی در دریای خزر را از دست داد. روسیه نیز متعهد گردید که نیابت سلطنت عباس میرزا را به رسمیت بشناسد. او را در رسیدن به سلطنت یاری رساند.^۲

جنگ‌های ایران و روسیه فصل مهمی را در تاریخ روابط سیاسی ایران با دول اروپایی آغاز کرد و در واقع نقطه‌ی شروع روابط نابرابر میان ایران و دولت‌های استعمارگر بود. تلاش ناپلئون برای اتحاد با روسیه و دست‌یابی به هند از طریق ایران منجر به احساس خطر انگلیس و اعزام هیئتی سیاسی به ایران به سرپرستی سرجان ملکم گردید. ملکم موفق به انعقاد عهدنامه‌ی سیاسی-بازرگانی با ایران شد که طبق آن ایران متعهد شد به عنوان دوست و متحد انگلستان از حمله‌ی افغان‌ها به هندوستان ممانعت نماید. انگلستان نیز در صورت تجاوز افغان‌ها با فرانسوی‌ها به خاک ایران تسلیحات مورد نیاز ایران را تأمین نماید و در صورت پیاده کردن نیروی نظامی از سوی فرانسه در خلیج فارس، متحداً با ایران به مقابله با فرانسه بپردازد. در بخش بازرگانی نیز تجار هر دو کشور اجازه‌ی رفت و آمد آزادانه در خاک یکدیگر را یافته و به بازرگانان انگلیسی و هندی اجازه‌ی اقامت در کلیه‌ی نقاط ایران و معافیت از پرداخت هرگونه مالیات و عوارض اعطا گردید.^۳ این قرار داد اما با درگذشت ناگهانی پل اول و رفع خطر روسیه برای هند از موضوعیت افتاد و انگلیسی‌ها آن را به تصویب نرساندند.

با ناامیدی ایران از انگلستان و با فرصت‌طلبی ناپلئون، امپراتور فرانسه با فرستادن رومیو^۴ و ژوبر^۵ مقدمات اتحاد میان فرانسه و ایران را از طریق عقد معاهده‌ی فین کنشتاین^۶ فراهم ساخت.^۷ طبق معاهده‌ی فین کنشتاین (۱۰۸۷/م/۱۲۲۲ ه.ق) دولت فرانسه استقلال ایران را تضمین می‌کرد و گرجستان را حتماً متعلق به ایران می‌دانست و

^۱ برای شرحی مفصل بنگرید به شمیم، ایران در دوره سلطنت قاجار، صص ۹۲-۸۳

^۲ نفیسی، تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر، ج ۱، صص ۲۵۹-۲۵۴

^۳ هوشنگ مهدوی، تاریخ روابط خارجی ایران، صص ۵-۲۰۴

^۴ Romieu

^۵ Jubert

^۶ Finkenestein

^۷ همان، ص ۲۰۶